

جمعه، بیست و سوم تیرماه ۱۳۷۴

گفتگوی داریوش فروهر با سردبیر خبرگزاری ایران پرس سرویس، صفا حائری، که در شماره‌ی ۲۲۲ نشریه‌ی نیمروز نشر یافت.

گزارشگر: سلام، آقای فروهر. من صفا حائری هستم از خبرگزاری ایران پرس سرویس. حال شما چطور است؟
داریوش فروهر: آقا، سلام. حالم خیلی خوب است، آقا. آدم در صحنه‌ی پیکار حالش همیشه خوب است، مگر اینکه خدای ناکرده ناگهان از پای بیفتد...

گزارشگر: می‌خواستم پیرسم به طور دقیق ماجرای روز دوشنبه چگونه بود که خشم شما را این چنین برانگیخت؟
داریوش فروهر: عرض کنم که خوب آیین بزرگداشت دکتر سنجابی بود، که ارج و عزت او را نزد من می‌دانید. از آغاز کار با او بودم؛ شاگردش بودم؛ هر چند او در حزب ایران بود و من در حزب ملت ایران، ولی دوشادوش هم فعالیت می‌کردیم، به‌ویژه که من از زمان مهاجرت پدرم با او نزدیکی داشتم؛ و بعد از آن زمانی بود که در دو دوره‌ی جبهه‌ی ملی همکاری نزدیکی با هم داشتیم، ایشان دبیرکل جبهه و من سخنگوی آن بودم؛ و به هر حال پیش من بسیار ارج داشت. پس خیلی عادی بود که یک آیین ختمی، فراخوانی تشکیل دهیم؛ و روز دوشنبه قرار بود مراسم در خانقاه صفی‌علی‌شاه برگزار شود؛ و قرار گذاشته بودیم که مراسم خیلی خوب و متین و بدون درگیری انجام شود. ابتدا چند آیه از قرآن خوانده شد، چند شعر دینی... و این را اضافه کنم که پاسی از ساعت شش گذشته تمام صحن بزرگ خانقاه، سالن و بیرون انباشته از مردم بود و می‌شود گفت بدون اغراق بیش از صد بسته گل هم آورده بودند...

گزارشگر: می‌شود تخمین زد جمعیت چقدر بود؟

داریوش فروهر: بیش از پنج‌هزار نفر. شاید اگر آن رجاله‌بازی پدید نمی‌آمد و شلوغ نمی‌شد و جلوگیری به عمل نمی‌آمد، از این هم افزون‌تر می‌شد؛ یعنی بگذاریم از مراسم آقای بازرگان، که کمی جنبه‌ی دولتی داشت، یک چنین گردهمایی‌ای در این سال‌ها نداشتیم، حتی فراتر از مراسم استاد دکتر صدیقی. به هر حال، آقای دکتر سعید فاطمی شروع کرد پیرامون زندگی سیاسی ایشان سخن بگوید و پرداخت به متن اظهار نظر ایشان در دادگاه لاهه، که خوب آنجا خودبه‌خود یک حمله‌ای به امپراتوری انگلستان، آن هم از لحاظ تاریخی، داشت که این دارودسته، که از آغاز در گوشه‌وکنار به چشم خورده بودند، یکباره هجوم آورند به درون سالن که عکس بگیرند، به عنوان اینکه بعد تعقیب می‌کنیم و البته از سوی خود مردم عکس‌برداری به تفصیل شده بود... که خوب... گفته شد ردشان کنید... ایستادگی کردند و بعد ناچار توسری خوردند، اول از سالن به صحن و سپس از صحن به بیرون رانده شدند و همان چرت و پرت‌گویی‌ها و زشت‌کاری‌های شیطان‌صفتانه را به نام «حزب‌الله» ادامه دادند... به هر حال، پس رانده شدند؛ و مردم هم بدون هیچ واهمه‌ای پیوسته شعار می‌دادند «درود بر مصدق»، «درود بر سنجابی». تا پایان وقت هیچ کس هم بیرون نرفت. البته برق را قطع کرده بودند، سخنرانی دکتر فاطمی قطع شد و حجت‌الاسلام مناقبی، که قرار بود به منبر برود، نتوانست به منبر برود؛ و بعد هم مردم آمدند آقای اصغر سنجابی، برادر دکتر سنجابی، را، که رئیس ایل سنجابی است، و آقای علی اردلان را، که برادر خانم سنجابی است، تا ماشین‌هایشان بدرقه کردند و مرا هم، چون خانه‌ام به خانقاه نزدیک است، همراهی کردند...

به نظر من، بعد از شانزده سال، یعنی بعد از شبه‌کودتایی که به عزل رئیس‌جمهور آن وقت انجامید، این نخستین بار

بود که پوزهی این گروه‌های فشار به زمین مالیده می‌شد...

گزارشگر: بله، اتفاقاً در اعلامیه حزب شما آمده است که حزب ملت ایران یادآور می‌گردد که از این پس هر گونه بی‌ادبی یا گستاخی یا آزار و تجاوز نسبت به مردم و به‌ویژه به چهره‌های سیاسی سرشناس را، که با دست‌اندرکاری نیروهای فشار انجام گیرد، از قبل شخص رئیس‌جمهور داعیه‌دار زمامداری کشور تلقی می‌کند.

داریوش فروهر: بله، بله، این نمی‌شود که هم داعیه‌ی رئیس‌جمهوری داشت و هم تشویق‌کننده و اعزام‌ارنده‌ی نیروهای فشار و اختناق بود. پس، به این ترتیب، این وزیر کشور و آن هارت‌وپورت‌هایش چه می‌شود؟ این نیروی انتظامی، که هر از چند گاه، از جمله در آغاز سال به مدت پانزده روز کشور را اشغال کرده بود، چه می‌کند؟ چطور شد که ناگهان حتی یک نفر هم از این افراد نیروهای انتظامی حتی از ۲۰۰ متری محل برگزاری آیین و آن همه جمعیت عبور نکرد؟ این بندبازی‌ها یا شعبده‌بازی‌های درونی جمهوری اسلامی است که باید یک بار برای همیشه پایان یابد. گذشته از اینکه وزیر کشور و فرمانده نیروی انتظامی باید پاسخگو باشند، به نظر من، اگر رئیس‌جمهور هم نمی‌تواند کشور را اداره کند، هنگام این است که بدون رودربایستی به مردم بگویند تا مردم خودشان فکری برای اداره‌ی سرزمینشان بکنند.

گزارشگر: آقای فروهر، شما به حکومت هشدار داده‌اید...

داریوش فروهر: بلی، گفته‌ایم که از این پس ایستادگی خواهد شد. من گفته‌ام و تکرار می‌کنم که باید رجاله‌بازی پایان داده شود. دیگر در ایران جایی برای این کارها نیست.

گزارشگر: از چه راهی؟

داریوش فروهر: از راه کوشش و ایستادگی، پس زدن تجاوز؛ ولی ضمناً می‌خواهیم که گذار از وضعیت نکبت‌بار کنونی به سوی مردم‌سالاری آرام و بدون هیچ کردار خشن باشد.

گزارشگر: در هر حال، چه بخواهید، چه نخواهید، خود رژیم با این اقدامات خودش را وارد یک درگیری علنی، نقطه‌ی عطف کرده است...

داریوش فروهر: به هر حال، من امیدوارم، توصیه می‌کنم و عمل می‌کنم که در برابر هر تجاوز با همه‌ی نیرو ایستادگی شود.